



درس تفسیر سوره مبارکه مؤمنون - جلسه ۲۲

حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ﴾ (۵۵) ﴿نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (۵۶) ﴿إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ﴾ (۵۷) ﴿وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ﴾ (۵۸) ﴿وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ﴾ (۵۹) ﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ﴾ (۶۰) ﴿أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ﴾ (۶۱)

منشأ اشتباه و اختلاف بشر در جهان بینی و نظام ارزشی

بعد از اینکه معارف توحیدی در این سوره مبارکه «مؤمنون» مشخص شد و معارف وحی و نبوت تبیین شد بعد این نکته هم یادآوری شد که همه انبیا در اصول مشترك یکسان اند ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾<sup>۱</sup> اختلافی که هست در شریعت و منهاج است که آن يك اختلاف محمود و ممدوح است ولی گروهی آمدند این حقیقت را ارباً اربا کردند بعضی ها نپذیرفتند بعضی ها ﴿تُؤْمِنُ بَعْضٌ وَكُفَرُ بَعْضٌ﴾<sup>۲</sup> گفتند و مانند آن، فرمود منشأ همه این بیراهه رفتن و کج رفتن ها، درك صحیح نداشتن است می فرماید انسان، نظمی در عالم می بیند (يك) در درون خود علاقه به جاودانگی

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۹.

۲. سوره نساء، آیه ۱۵۰.

را هم احساس می‌کند (دو) برای تبیین اینکه نظم بیرون به عهدهٔ چه کسی است و تأمین آن جاودانگی به چیست، بیراهه می‌رود آن نظم بیرون را به جای اینکه به خدای واحدِ علیمِ حکیمِ حیّ ازلی استناد بدهد و جهان را خلقت بداند به طبیعت، اسناد می‌دهد و عالم را عالم طبیعی می‌داند به جای اینکه جستجو کند جای جاودانگی و ابدیت، مسئلهٔ برزخ و معاد است بیراهه می‌رود خیال می‌کند که دنیا دار بقاست و چیزهایی که سهم بیشتری از بقا دارند آنها را به عنوان مَلِكِ تَمِیر می‌داند در جاهلیت این طور بود آنها هم که فکر جاهلی داشته یا دارند هم به همین وضع مبتلایند در سورهٔ مبارکهٔ «کَهِف» گذشت که آن باغدار وقتی وارد باغش شد گفت: ﴿مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا﴾<sup>۱</sup> باد یعنی هَلْک، یبید یعنی یَهْلَک او وقتی وارد باغ شد گفت این باغِ سرسبز، برای همیشه ماندنی است آنهایی هم که گرفتار فکر جاهلی بودند می‌گفتند ما چیزهایی را به ورثه‌مان بدهیم که مَلِكِ غیر باشد در نظام ارباب و رعیتی آن دهات و روستاها را که به بچه‌ها ارث می‌دادند می‌گفتند مَلِكِ غیر یعنی ماندنی این همان تفکر جاهلی است که می‌گفتند: ﴿مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا﴾ و جامع این تفکرهای جاهلی همان است که ﴿يَخْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ﴾<sup>۲</sup> او می‌خواهد خالد باشد ولی فکر می‌کند که ثروت و تکاثر سبب خلود است او نمی‌داند کوثر سبب خلود است نه تکاثر، این اشتباهات آنها چه در مبدأشناسی چه در معادشناسی باعث می‌شود که در نظام ارزشی هم اشتباه بکنند پس در دو مقام اینها بیراهه می‌روند هم در مقام معرفت بود و نبود یعنی جهان‌بینی هم در مقام معرفت باید و نباید یعنی ارزشی یعنی هم در علوم بیراهه می‌روند هم در مسائل اخلاق و ارزش بیراهه می‌روند. آنها که می‌گفتند: ﴿إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا﴾ که در آیهٔ ۳۷ همین سورهٔ مبارکه گذشت ناظر به اشتباه آنها در بود و نبود بود که در عالم چه چیزی

۱. سورهٔ کهف، آیهٔ ۳۵.

۲. سورهٔ هُزَ، آیهٔ ۳.

هست چه چیزی نیست که این مربوط به حکمتِ نظری است آنها می گفتند که ﴿إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ﴾ همین حس گراها و طبیعت گراها و امثال ذلك

### پندار مشرکین درباره سعادت آفرینی اموال و اولاد

اما در مسائل حکمتِ عملی و نظام ارزشی، اینها فکر می کنند که مال منشأ سعادت است فرزند منشأ سعادت است داشتن قدرت و جاه منشأ سعادت است در آن بخشی که اینها اشتباه کردند در حکمتِ نظری در جهان بینی، طبیعت را به جای خلقت گذاشتند آیاتی اشتباه اینها را برطرف کرد، در این قسمت اینها که ارزش را به چیز دیگر می دانند آیات الهی جلوی اینها را می گیرد می فرماید: ﴿أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا﴾ قبلاً در همین سوره مبارکه «مؤمنون» آیه ۴۴ گذشت که آنجا باید متصل نوشته می شد ﴿ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلَّمَا﴾ نه «كُلَّ مَا» این «كُلَّمَا» سور است ﴿كُلَّمَا جَاءَ أُمَّةٌ رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ﴾ می گوئیم «كُلَّمَا طلعت الشمس فالنهار موجود» اما وقتی گفتیم «كُلَّ مَا» این «كل» اسم است و مضاف است و مبتدا دیگر سور نیست باید منفصل نوشته می شد اما این ﴿كُلَّمَا جَاءَ﴾ که به منزله سور است و باید متصل نوشته می شد [در برخی رسم الخطها] منفصل ثبت شد. در اینجا این «أَنَّ» حرف مشبیه به فعل است آن «ما» اسم آن است باید منفصل نوشته می شد ولی متصل نوشته شده قبلاً هم به عرض رسید که تا ایران اسلامی که حامی حقیقی قرآن است بخواهد يك رسم الخط ادیبانه داشته باشد صدای و اقرا نا از همین عربستان قرآن سوز بلند می شود همین ها که عالماً عامداً مسجدی که جای قرآن است تخریب می کنند و می سوزانند اگر شما بخواهید بگویید اینجا جای وصل نیست جای فصل است می گویند و اقرا نا. خب ﴿أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ \* نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ﴾ اینها از چند جهت اشتباه می کنند اولاً مال و فرزند يك قضیه موجب کلیه دارند (يك) و يك قضیه

موجبه جزئیۀ دارند (دو) و این به دست آنها نیست به دست ذات اقدس الهی است (سه) و خیر نیست (چهار) اینها در يك ديكتۀ يك سطری چهار غلط دارند حالا بررسی کنیم.

### بیان چگونگی ابتلای انسان به اموال و اولاد در قرآن

فرمود اینها خیال کردند «أَنْ مَا» که حالا ﴿إِنَّمَا﴾ نوشته شده ﴿يُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ﴾ کلمه «امداد» معمولاً دربارهٔ خیر به کار می‌رود، «مَدَّ» غالباً دربارهٔ شرّ به کار می‌رود، اینجا امداد به معنای خیر نیست جامع است یا به معنای مکروه است. فرمود ما با مال، اینها را امداد می‌کنیم (يك) با فرزند اینها را امداد می‌کنیم (دو) مال و فرزند يك قضیه موجبه کلیه دارند و يك قضیه موجبه جزئیۀ، آن قضیه موجبه کلیه این است که تمام اموال و تمام فرزندا آزمون الهی اند ﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾<sup>۱</sup> اینها امتحان است به نحو موجبه کلیه این طور نیست که مال، رایگان به کسی داده شود یا فرزند رایگان به کسی داده شود جمیع اموال و جمیع اولاد آزمون الهی اند (این يك). دوم: قضیه به نحو موجبه جزئیۀ است نه به نحو موجبه کلیه همه اموال دشمن نیستند همه اولاد دشمن نیستند اولاد صالح که دشمن نیست، مال حلال که دشمن نیست ولی امتحان است بعضی از اموال و بعضی از اولاد دشمن شما هستند خب، چون همین مال به صورت طوق لعنت در می‌آید ﴿سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾<sup>۲</sup> در سوره مبارکه «توبه» گذشت که آنها که ﴿يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾<sup>۳</sup>، اینها ﴿يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ﴾<sup>۴</sup> همین سگه‌هایی که اینها یا از راه حرام به دست آوردند یا اگر از راه حلال به دست آوردند وجوهش را ندادند همین‌ها را داغ می‌کنند بر سه عضو از اعضای بدن اینها قرار می‌دهند فرمود همین سگه‌ها

۱. سوره تغابن، آیه ۱۵.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۸۰.

۳. سوره توبه، آیه ۳۴.

۴. سوره توبه، آیه ۳۵.

را همین طلا و نقره‌ها را داغ می‌کنند ﴿يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا﴾ بعد ﴿فَتُكْوَى﴾ یعنی داغ می‌شود با همین سکه‌ها، ﴿جَبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ﴾ اول پیشانی اینها را داغ می‌کنند بعد پهلوی اینها را داغ می‌کنند بعد پشت اینها را داغ می‌کنند خب این مال دشمن است دیگر، بنابراین يك قضیه موجهه کلیه است که جمیع اموال و جمیع اولاد آزمون الهی است تا ببینیم انسان در چه راهی صرف می‌کند يك قضیه موجهه جزئیه است که بعضی از اموال و بعضی از فرزندا دشمن‌اند خب اگر اینها یا آزمون‌اند یا دشمن، دیگر خیر نیستند، اگر کسی دشمن را خیر بداند یا اگر فتنه را خیر بداند معلوم می‌شود گمان فاسدی است فرمود: ﴿أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ﴾ که دوتا قضیه دارند یکی موجهه کلیه یکی موجهه جزئیه ﴿نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ﴾ پس این نیست.

### بررسی خیالات باطل بشر درباره اموال و اولاد از منظر قرآن

مطلب بعدی آن است که خیلی‌ها می‌روند به دنبال کسب نصیبشان نمی‌شود خیلی‌ها نکاح می‌کنند فرزنددار نمی‌شوند ﴿وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا﴾<sup>۵</sup> آنجایی هم که نصیبشان شد ما دادیم، پس يك اشتباه درباره قضیه موجهه کلیه اول است (يك)، يك اشتباه درباره قضیه موجهه جزئیه است (دو) اشتباه سوم در این است که آنچه ما دادیم به حساب خودشان می‌آورند (سه) اشتباه چهارم آن است که این را خیر می‌دانند می‌گویند ما کسب کردیم (چهار) خب خیلی‌ها به دنبال کسب می‌روند به زحمت، خودشان را اداره می‌کنند عده‌ای هم نکاح می‌کنند ﴿وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا﴾ پس کار شما نیست ما دادیم مبدا بگویند این خیراتی است که به ما دادند خب، می‌بینید اینها سه، چهارتا اشتباه دارند برای همه ما همین طور است حالا يك وقت است سخن از مال است يك وقت سخن از جاه و مقام و پیشرفت و امثال ذلك است هر کسی در هر محیطی بالأخره این حرف‌ها را دارد. در حوزه پیشرفت يك نحو است

در دانشگاه پیشرفتش يك نحو است در مراکز خدماتی پیشرفتش يك نحو است در هر جا این حرف‌ها هست ولی همه امتحان است و همه آزمون و بعضی از اینها هم دشمن‌اند. خب، چه کسی می‌تواند فرق بگذارد بین اینکه چه چیزی خیر است و چه چیزی فتنه (يك) چه چیزی خیر است و چه چیزی شرّ (دو) آن‌که در سوره مبارکه «انفال» گذشت فرمود: ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾<sup>۶</sup> اگر باتقوا و پرهیزکار بودید می‌فهمید که این امتحان است تکاثر است یا کوثر، خب اگر کوثر بود انسان دائماً شکرگزار حق است ولی اگر تکاثر بود هر لحظه لرزان است که مبادا وسیله سقوط او بشود فرمود: ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾.

### ارتباط توفیق اعمال خیر و صالح با تغذیه سالم و حلال

در جریان جهان‌بینی در شناخت بود و نبود، آیه ۳۷ اشتباه آنها را اشاره کرد که آنها گفتند: ﴿إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ﴾<sup>۷</sup> الآن دارد آن اشتباه را برطرف می‌کند که در جهان‌بینی چه چیزی حق است چه چیزی باطل. در این قسمت نظام ارزشی هم بیان می‌کند که چه چیزی باید و چه چیزی نباید، چه چیزی خیر است و چه چیزی خیر نیست فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ﴾<sup>۸</sup> الله را می‌پذیرند (يك) به او دل بسته‌اند (دو) و هراس دارند (سه) اِشفاق دو قسم است مثلاً می‌گوییم پدر نسبت به فرزند مُشْفِق است یعنی عنایت دارد، علاقه‌مند است يك وقت است می‌گوییم هراس دارد اگر خوف محض باشد دیگر با اِشفاق همراه نیست اگر اِشفاق صِرف باشد با خوف همراه نیست مؤمنان کسانی‌اند که بین خوف و رجا هستند در عین حال که دلبسته حق‌اند می‌ترسند اعمالشان مقبول نباشد درست است قبول دارند به خدا علاقه‌مندند اما می‌ترسند آلودگی در عقایدشان، اخلاقشان، اعمالشان باشد این است که قرآن کریم وقتی می‌خواهد بگوید که عمل صالح انجام دهید اول می‌فرماید غذای حلال

بخورید بعد می گوید عمل صالح انجام بدهید آیه ۵۱ سوره مبارکه «مؤمنون» همین بود دیگر، فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾ حالا آنها که انبیایند که اینها اُسوه ما هستند. عمل صالح وقتی است که انسان غذای طیب و طاهر داشته باشد ما توقع داشته باشیم غذای مُشْتَبِه بخوریم و عمل طیب و طاهر تحویل بدهیم توقع ناجایی است. در سوره مبارکه «بقره» هم این بحث گذشت؛ آیه ۱۶۸ سوره مبارکه «بقره» و همچنین آیه ۱۷۲ همان سوره مبارکه «بقره» در همین زمینه بود آیه ۱۶۸ سوره مبارکه «بقره» این بود ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ فرمود اگر بخواهید راه صحیح را طی کنید باید مواظب غذای خود باشید آیه ۱۷۲ سوره مبارکه «بقره» این بود ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ خب می خواهید او را عبادت کنید یا نه، با غذای حرام که نمی شود او را عبادت کرد ولو انسان خیلی دائم الذکر نباشد اما غذای طیب و طاهر سهم تعیین کننده ای دارد برای اینکه همین غذاست که به صورت فکر و اندیشه در می آید دیگر. خب در آن قسمت ها هم فرمود این قسمت ها هم چه به انبیا چه به امم خطاب می فرماید که مواظب غذایتان باشید

### بیان اوصاف اهل خشیت در قرآن

در این قسمتی که محلّ بحث است فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ﴾ بین اِشْفَاق و خشیت جمع فرمود، شَفِیق اند دوست اند علاقه مندند اما می ترسند ذات اقدس الهی بفرماید این آلوده بود ﴿وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ﴾ به تمام معجزات الهی مؤمن اند (این يك) به آیات تکوینی مؤمن اند (دو) به آیات تشریعی مؤمن اند (سه) به این آیات تدوینی که آیات الهی است ایمان دارند به احکام و حکم اینها مؤمن اند عمل می کنند ﴿وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا

يُشْرِكُونَ» به هیچ وجه شرك نمی‌ورزند آنهایی که ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾<sup>۱</sup> همین است حالا یا شرك اعتقادی است یا شرك عملی است اینها به هیچ وجه شرك نمی‌ورزند نه شرك اعتقادی نه شرك عملی؛ نه به عنوان ریا و سمعه نه بر اساس عناوین دیگر، اینها مسائل اعتقادی‌شان. ﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ﴾ خب می‌بینید شما همه در مراسم امتحان شركت کردید کسی که در مراسم امتحان است هر چه می‌نویسد بین خوف و رجاست چون خود حالت امتحان حالت لرزش است فرمود اینها هر کاری که انجام می‌دهند با خوف و رجاست (يك) هر مالی که در راه خدا می‌دهند با خوف و رجاست (دو) این ایتا هم می‌تواند از سنخ «إيتاء الزكاة» باشد که ﴿آتُوا الزَّكَاةَ﴾<sup>۲</sup> یا ﴿أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾<sup>۳</sup> هم می‌تواند ایتای عمل صالح باشد هر کاری که انجام می‌دهند چه مالی و چه غیر مالی هراسان‌اند می‌گویند خب بالأخره «فان الناقد بصير»<sup>۴</sup> اگر خدای سبحان در آن روز از ما سؤال کند از کجا فراهم کردی چطور فراهم کردی به چه نیت دادی اگر از تو تعریف نمی‌کردند باز هم حاضر بودی عطا کنی من چه بگویم. خب، ﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ﴾ البته اوحدیّ از اهل معرفت که مالشان طیب و طاهر است خب این شامل آنها هم می‌شود دیگر نظیر حضرت امیر (سلام الله علیه) آنکه انفاق کرده در حدّ ﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾<sup>۵</sup> آن دیگر دیگر بین‌الرشد بود دیگر هم مال طیب و طاهر بود هم دهنده‌ها گفتند ﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ﴾ این آیه شامل آنها هم می‌شود خب و جل بودن و هراسان بودن آنها برای چیست آنها از این سنخ نیست که خدا بفرماید مثلاً مال شما

۱. سورة يوسف، آیه ۱۰۶.

۲. سورة بقره، آیه ۴۳.

۳. سورة بقره، آیه ۲۷۷.

۴. الاختصاص، ۳۴۱.

۵. سورة انسان، آیه ۸.



شاید حلال نبود قصد شما شاید مشوب بود اینها می ترسند که همان طوری که ﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾<sup>۱</sup> اگر يك روز به ما هم بگویند که «وما آتیت از آتیت و لكن الله آتی» ما دیگر دستان خالی است باید برای آن صحنه هم آماده باشیم.

### بیان مصادیق واقعی کوثر

پرسش: آیا مال فراوان می تواند کوثر باشد؟

پاسخ: نه، مال فراوان نه، مال اصولاً نمی تواند کوثر باشد آنکه کوثر است معارف است آنکه ماندنی است کوثر است مال فراوان نمی تواند، البته انفاق می تواند کوثر باشد آن انفاق فی سبیل الله می شود کوثر.

پرسش: آیا مال فراوان جزء ارزش است؟

پاسخ: مال فراوان امر مادی است دیگر، آن عمل صالح است که می تواند کوثر باشد نه بدنه مال. بتواند تولید کند آن تولید کوثر است فشار جامعه را کم کند آن کوثر است نظام طبقاتی را تنظیم کند آن کوثر است مشکلات فقرا را برطرف کند آن کوثر است.

﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ﴾ دیگر مغرور نیستند بگویند ما چنین کاری کردیم. خب اینها خیر است پس ما يك فتنه داریم (يك) يك عدو داریم (دو) يك خیر داریم (سه)،

## ناکارآمدی اختیار انسان در ابتلای به اموال و اولاد

چهارم آن است که در جریان اموال و بنین، اینها دست شما نبود خدا به شما داد منتها شما خیال کردید خیر به شما می دهد نه دارد شما را امتحان می کند حالا اگر شما را بردند در يك سالن بسیار خوبی روی صندلی خوبی نشاندند خب اینجا کلاس امتحان است اینجا که برای شما نیست وضع دنیا همین طور است در این قسمت فرمود متن کار اینهاست که خیر است و این خیرها را خود این افراد با بهره برداری از توفیقات الهی دارند انجام می دهند پس اینها خیر است آنها خیر نیست «الفتنة ما هی، العدو ما هو» اینها مشخص شد «الخیر ما هو» هم مشخص شد حالا مبدأ فاعلی آن فتنه و عدو چیست؟ فرمود ما به اینها دادیم ما مرتب اینها را به کلاس امتحان می بریم اینها خیال می کنند ما مرتب داریم به اینها خیر می دهیم.

## چگونگی ابتلای انسان به سئ استدراج در اموال و اولاد

در این موارد چندگانه که علماً و عملاً خیر است مؤمنین دارند این کار را انجام می دهند لذا در آنجا فرمود به متکلم مع الغیر اسناد داد فرمود: ﴿أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ \* نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ﴾ ما به اینها مرتب داریم خیر می دهیم این طور نیست در مقابل مؤمنان که این کارها را انجام می دهند اینها ﴿يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ﴾ آنجا سرعت را به خودش اسناد داد به زعم آنها، اینجا سرعت را به خود مؤمنین اسناد داد و این اسناد، اسناد إلى مَنْ هو له است ﴿يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ﴾ آنها بین استدراج و خیر فرق نگذاشتند در سوره مبارکه «اعراف» فرمودند ما اینها را کم کم می خواهیم بگیریم کسی را که می خواهند از بالا پرت کنند این را کم کم می آورند به لبه دیوار تا يك دست بزنند از بالا بیندازند فرمود این استدراج است درجه درجه کم کم ما اینها را می خواهیم پرتشان کنیم اینها نمی فهمند که این استدراج است خیال می کنند خیر است در سوره «اعراف» آیه ۱۸۲

این بود ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ ما اینها را می‌بریم بالا تا از همان جا پرت کنیم چیزی از اینها نماند اینها خیال می‌کنند که ما اینها را بالا بردیم به مقام رسیدند در حالی که نمی‌دانند ما اینها را داریم بالا می‌بریم که از همان جا پرت کنیم از آنجا پرت شدند چیزی برایشان نمی‌ماند.

يك بيان نورانی مرحوم کلینی (رضوان الله علیه) در همان جلد دوم کافی از حضرت (سلام الله علیه) نقل می‌کند فرمود آن بالا رفتنی که پایین آمدن سخت است نروید «اتَّقِ المَرْتَقَى السَّهْلَ إِذَا كَانَ مُنْحَدِرُهُ وَعَرَأً»<sup>۱</sup> فرمود آن بالا رفتنی که پایین آمدن سخت است نروید معلوم می‌شود آن دیگری شما را برده بالا شما که خودتان نمی‌توانید پایین بیایید همان جا می‌افتید و تمام اعضایتان می‌شکند کاری که مال شما نیست نکنید «اتَّقِ المَرْتَقَى السَّهْلَ إِذَا كَانَ مُنْحَدِرُهُ وَعَرَأً» اگر سخت بود نروید بالا. فرمود ما اینها را می‌بریم يك جای بالا اینها نمی‌فهمند که ما برای چه بردیم اینها را بالا می‌خواهیم از همان جا رها کنیم که چیزی از آنها نماند. اینکه در سوره مبارکه «اعراف» از آن به عنوان استدراج یاد کرده است در سوره‌های دیگر هم به عنوان استدراج مطرح شده است که فرمود ما اینها را استدراج می‌کنیم اینها نمی‌فهمند؛ آیه ۴۴ سوره مبارکه «قلم» این است ﴿فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ خب اگر کسی بخواهد فرق بگذارد بین الاستدراج و مسارعة الخیر راهش تقواست که ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَاناً﴾<sup>۲</sup> اینها خیلی روشن نیست اینها با درس و بحث حاصل نمی‌شود.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۳۶.

۲. سوره انفال، آیه ۲۹.

## عوامل و گستره مسارعت انسان در امور خیر و معنوی

خب پس معلوم شد «الخير ما هو» (يك) و چه کسی به طرف خیر می‌رود (دو) چطور به طرف خیر می‌روند (سه) نسبت به سایر هم‌صنفانشان چه می‌کنند (چهار) بعد از اینکه به مقصد رسیده‌اند چه رسالتی را به عهده می‌گیرند (پنج) آن پنجمی دیگر در سوره مبارکه «فرقان» و اینهاست. در بحث‌های قبل داشتیم که این مراحل پنج‌گانه را قرآن تبیین کرده اول معرفت است که آدم بفهمد جهان چیست، انسان چیست، رابطه انسان و جهان چیست این مثلث را بفهمد، وقتی فهمید موجود ابدی است راه می‌افتد نمی‌ایستد راکد نیست جامد نیست در لُهو و لعب نیست راه می‌افتد وقتی راه افتاد می‌بیند جلوییش باز است بخواید عالم بشود راه باز است بخواید عادل بشود راه باز است در علم و عدل و تواضع و جنود عقل هیچ تزامنی نیست اگر کسی خواست اعدل از همه بشود اتقای از همه بشود متواضع‌تر از همه بشود پرهیزکارتر از همه بشود مهربان‌تر از همه بشود راه باز است اگر در اتاقی که جای هزار نفر است اینها همه‌شان متواضع باشند کاملاً جا باز است اما اگر دو نفر - خدای ناکرده - خودبین باشند اول دعواست در رذالت، درگیری هست ولی در فضیلت درگیری نیست لذا می‌فرماید اگر شما خواستید مسابقه بدهید در علم و تقوا و معارف، این میدان مسابقه به اندازه آسمان و زمین باز است خب حالا اگر کسی خواست خیابانی که به اندازه آسمان و زمین است برود هر چه تندتر برود جا برای تصادف نیست ﴿سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ﴾ که ﴿عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ﴾<sup>۳</sup> حالا اگر مسابقه‌ای به اندازه نظام کیهانی باشد خب هر کسی هر چه تند بخواید برود آزاد است دیگر این دیگر جا برای برخورد نیست تزامم و تصادف و امثال ذلك نیست کسی مزاحم کسی نیست اعلم بودن، اتقا بودن، اعدل بودن راه را وسیع می‌کند اما اگر کسی - خدای ناکرده - خودبین بود با دومی

دعوايش می شود دیگر، بنابراین راه فضیلت باز است انسان باید هجرت کند چون راه خیلی وسیع است دستور سرعت دادند هیچ نگفتند کُند کنید درجه بیست بروید ۱۲۰ بروید ۱۲۰۰ بروید ۲۲۰۰ بروید، این طور نیست ﴿سَارِعُوا﴾ این طور نیست که حدّ مشخصی داشته باشد منتها باید در مسیر باشد البته، اگر کسی تشخیص داد صراط مستقیم کجاست آن وقت هر چه تندتر بهتر.

### چگونگی تشخیص مراتب صراط مستقیم در امور خیر

عمده آن است که بسیاری از ماها در تشخیص صراط مستقیم دچار غفلتیم گاهی یمین گاهی شمال «الیمین والشمال مضلّة والوسطی هو الجادة» برای ماها گفته شد «خیر الامور اوسطها»<sup>۴</sup> اما وقتی کسی نظیر اهل بیت (علیهم السلام) در متن صراط مستقیم است آنجا دیگر سخن از «خیر الامور اوسطها» نیست «خیر الامور اکثرها و اشدّها و أوفرها و أعلاها» و کذا و کذا و کذا اینکه در دعای «کمیل» می گوئیم خدایا! «واجعلنی من احسن عبادک نصیباً عندک و اقربهم منزلة منك و اخصهم زلفة لדיک»<sup>۵</sup> اینجاست که می گویند «تا سر رود به سر رو و تا پا به پا پیو» هر چه تندتر بهتر اگر کسی مثل حسن بن علی (سلام الله علیهما) شد چون در متن صراط مستقیم است اگر چندین بار اموالش را تقسیم بکند بین خود و فقرا این عدل است نه اسراف، اگر کلّ مالش را به دیگری بدهد<sup>۶</sup> عدل است نه اسراف این در صراط است صراط که دیگر اسراف و تبذیر ندارد. ماها چون نمی دانیم و نمی توانیم و در صراط نیستیم

۴. الکافی، ج ۶، ص ۵۴۱.

۵. مصباح المتعجد، ص ۸۵۰.

۶. شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱۶، ص ۱۰.

برای ما «خیر الامور اوسطها» است اما آنها که در متن صراط‌اند در زیارت «جامعه کبیر» به این ذوات قدسی عرض می‌کنیم «أنتم الصراط الأقوم».<sup>۱</sup>

غرض این است که اگر کسی در صراط بود نمی‌شود به او گفتند کُندتر، تندتر نرو کُند برو قدری آرام‌تر این نیست بلکه به ما هم می‌شود گفت کُندتر برو تندتر برو، چپ نرو راست نرو اما اگر کسی در متن صراط بود این «خیر الأمور اکثرها و أوفرها» است چه اینکه حضرت در دعای «کمیل» به ما آموخت

### رسالت سبقت‌گیرندگان امور خیر در هدایت جامعه

حالا فرمود اینها سرعت می‌گیرند حالا که سرعت گرفتند جلو هم می‌زنند ﴿وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ﴾ ما يك سرعت داریم يك طایفه از آیات است، يك سبقت داریم ﴿فَاسْتَبِقُوا﴾<sup>۲</sup> یعنی جلو بزن بگو من می‌خواهم بالاتر باشم در چه چیزی بالاتر باشم؟ در عدالت، در تقوا، در ادب، در تواضع اینکه عیب ندارد ما يك ﴿سَابِقُوا﴾ داریم يك ﴿سَارِعُوا﴾ داریم ﴿سَارِعُوا﴾ یعنی تا می‌توانی بدو، ﴿سَابِقُوا﴾<sup>۳</sup> یعنی تا می‌توانی جلو بزن اینکه بد نیست خیلی‌ها عالم‌اند شما می‌خواهید اعلم بشوید خب این خیلی خوب است خیلی‌ها متقی‌اند شما می‌خواهید اتقا بشویم اعدل بشوید چیز بسیار خوبی است اینکه بد نیست شما می‌خواهید متواضع‌تر باشید اینکه بد نیست حالا که سبقت گرفتی نگو که به من چه! این ﴿وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾<sup>۴</sup> آن مرحله پنجم است پس «المعرفة ثم الهجرة ثم السرعة ثم السبقة ثم الامامة» الامامة» که این يك جلد از بحث‌های تفسیر موضوعی بود. امامت یعنی حالا که جلو افتادی به فکر مردم باش نیکان را جذب کن ﴿وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ این چیز خوبی است خدایا! آن توفیق را بده که بفهم‌های جامعه به من اقتدا

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳.

۲. سورة بقره، آیه ۱۴۸.

۳. سورة حدید، آیه ۲۱.

۴. سورة فرقان، آیه ۷۴.

کنند اینکه بد نیست. خدایا! آن توفیق را به من بده که من الگو باشم برای خوبان جامعه اینکه چیز بد نیست من الگو شوم برای مؤدبان جامعه، اینکه چیز بد نیست به ما گفتند بخواهید، مردان الهی چند چیز را از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنند یکی اش این است ﴿وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ من امام پرهیزکاران باشم امام العلماء باشم، امام المتّقین باشم، امام العادلین باشم این چیز خوبی است، فرمود این گروه‌اند که نه تنها اهل مسارعت‌اند بلکه اهل سبقت‌اند می‌خواهند جلو بزنند خب جلو بزنند اینکه چیز بدی نیست، اگر کسی خواست جلو بزند در ادب، در تقوا این نه تنها مزاحم کسی نیست دیگران را هم کمک می‌کند که امیدواریم - ان شاء الله - نصیب همه شود.

«و الحمد لله ربّ العالمین»